

احتمال تکرار تلخ تاریخ برای کارگران

علی حیدری، نایب‌رئیس هیات‌مدیره

سازمان تامین اجتماعی



اخیراً زمزمه‌هایی مبنی بر بازپس‌گیری سهام واگذاری دولت به تامین اجتماعی در سال جاری که جهت تهاتر مطالبات

بیمه‌ای سازمان مزبور از دولت و برای اجرای طرح متناسب‌سازی مستمری‌ها، واگذار شده، شنیده می‌شود؛ امری که در سال ۹۲ و با استقرار دولت روحانی در مورد معدن گل‌گهر اتفاق افتاد.

در اواخر دولت احمدی‌نژاد و زمانی که «مرتضی» مدیرعامل تامین اجتماعی بود، دولت بخشی از سهام گل‌گهر را بابت تهاتر مطالبات بیمه‌ای به این سازمان واگذار کرد. در ابتدای دولت روحانی که در هر جلسه تعدادی از مصوبات دولت احمدی‌نژاد لغو می‌شد، «نعمت‌زاده» وزیر وقت صمت، مصوبه مربوط به واگذاری گل‌گهر را به همین ترتیب لغو کرد. سوال اینجاست که آیا قرار است باز تاریخ تکرار شود و ۶۹ هزار میلیارد تومان سهام واگذار شده در اواخر دولت قبل از تامین اجتماعی بازپس گرفته شود؟ ظاهر اقرار است این بار به بهانه ایراد «هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت باقوانین» به مصوبه دولت قبل، سهام واگذاری شده پس گرفته شود. این در حالی است که تامین اجتماعی به اعتبار دریافت این سهام و از ابتدای سال جاری نسبت به متناسب‌سازی و افزایش مستمری بازنشستگان خود اقدام کرده و ماهانه هزاران میلیارد تومان برای اجرای این طرح علاوه بر افزایش‌های سنوایی مستمری، هزینه کرده است.

امام‌ساله چیست؟

تجربه نشان داده که حکم‌مندرج در جزء ۱ بند ب ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر ممنوعیت تهاتر بدهی‌های دولت از طریق واگذاری سهام، یک امر محال بوده و طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ هیچ‌گاه دولت نسبت به فروش سهام و پرداخت مبالغ حاصل از فروش سهام بابت بازپرداخت بدهی‌های بیمه‌ای سنوایی و جاری خود به تامین اجتماعی مبادرت نکرده است و عملکرد این حکم‌قانونی در ۵ سال موصوف صفر بوده است. حتی دولت به رغم صراحت احکام قانونی مربوط به پرداخت حق بیمه‌های جاری به تامین اجتماعی در قالب بودجه‌های سنوایی، نیز عمل نکرده است. به عبارت دیگر اگر بدهی‌های بیمه‌ای معوقه و سنوایی دولت به تامین اجتماعی که از دهه ۵۰ تاکنون شکل گرفته و انباشته شده و در حال حاضر بالغ بر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان شده را در نظر بگیریم، دولت حتی طی سال جاری حق بیمه‌های جاری مربوط به همین سال پیش‌بینی نکرده و به سازمان تامین اجتماعی نیروداخته است.

حال با توجه به کسری بودجه مزمن و سنوایی دولت و عدم تعادل منابع و مصارف آن طی چنددهه اخیر، دولت اگر بخواهد این ارقام را طبق حکم‌مندرج در ردیف‌های مربوط به بنگراند، عملاً کسری بودجه تشدید خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت حکم منع تهاتر بدهی با سهام و فروش سهام و پرداخت پول آن به تامین اجتماعی، به نوعی تعلیق به محال شدن بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی خواهد شد.

حال باید گفت سازمان تامین اجتماعی براساس قول و قرارهای مسئولین دولت قبل مبنی بر بازپرداخت بخشی از مطالبات بیمه‌ای برای اجرای متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان که از اواخر سال ۱۳۹۹ مطرح شد و به اعتبار و اعتماد حرف دولت و مجلس، نسبت به اجرای متناسب‌سازی و افزایش مستمری‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۰ اقدام کرد و ماهانه هزاران میلیارد تومان به مصارف بیمه‌ای خود افزود. اگر قرار باشد مصوبه دولت لغو شود و سهام واگذار نشده، پس گرفته شود عملاً سازمان دچار مشکل جدی در تامین منابع مربوط به متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی خواهد شد. باید توجه داشت که مجلس و دولت بابت همسان‌سازی مستمری بازنشستگان کشوری، لشکری، فولاد و... کمک بلاعوض کرده‌اند ولی برای متناسب‌سازی مستمری مشمولین تامین اجتماعی، هیچ کمکی نکرده‌اند و فقط بخشی از بدهی خود را تهاتر کرده‌اند و الان هم عده‌ای در تلاش هستند تا همان سهام واگذار شده را پس بگیرند.

باید دید که آیا دولت و مجلس سبزدخم که متصف به وصف انقلابی و مردمی هستند، اقدام ناصواب دولت روحانی در لغو مصوبه واگذاری سهام گل‌گهر به تامین اجتماعی در سال ۱۳۹۲ را تکرار خواهند کرد یا اخیراً یا تاریخ مجدداً تکرار خواهد شد یا خیر؟

فرصت‌سوزی برای واگذاری سهام بانک رفاه

فلک‌تأمين اجتماعی شکست



دولت که الزام واگذاری بانک

رفاه کارگران را براساس ماده ۵

«قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴

قانون اساسی» پیگیری می‌کنند،

بی‌انضباط مالی و غیرشفاف بودن

صورت‌های مالی بانک رفاه است.

این موضوع چه تأثیری بر سازمان

تامین اجتماعی خواهد داشت؟

سازمان تامین اجتماعی برای

پرداخت بدهی‌های خود به بانک رفاه

کارگران اقدام کرده است. البته این

بدهی‌ها نه به یک‌باره ایجاد شده‌اند و

نقار است که با هر بار تسویه، به قالب

در یافت وام‌های جدید تمدید نشوند.

طبق آخرین تصمیمات در هیأت

امنی سازمان، دارایی‌های واگذار شده

از سوی دولت به تامین اجتماعی با

بدهی آن به بانک رفاه تهاتر شده‌اند.

در نتیجه آخرین بیین ۳۰ تا ۳۲ هزار

میلیارد تومان از دارایی‌های واگذار

شده از سوی دولت، میان سازمان

و بانک رفاه تهاتر شده‌اند. در واقع

سازمان به ازای بخشی از این دارایی

در سال گذشته، همسان‌سازی را اجرا

و مبالغه‌ای غیرنقدی آن را به بانک رفاه

واگذار کرد. از طرفی از آنجا که تامین

اجتماعی برای تامین پول نقد لازم برای

پرداخت مستمری‌های بازنشستگان

که باید در روزهای پایانی هر ماه انجام

شود، مشکلات جدی دارد، ناچار

است که بدهی‌های قبلی بانک رفاه

را بپردازد. به پشتوانه هر دور تسویه

بدهی، امکان استقراض از این بانک

برای دوره‌های بعد و ماه‌های بعد فراهم

می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند.

براساس قانون مجلس لازم

است که تامین اجتماعی پیش از

واگذاری سهام خود، طلب بانک

رفاه کارگران را بپردازد. با توجه به

اتکالی سازمان به بانک رفاه، اگر بنا

بر انجام این واگذاری باشد، آیا در

عمل امکان انجام آن وجود دارد؟

در حال حاضر الزام قانون بر واگذاری

بانک رفاه است چرا که در غیر این

صورت، تبعات بسیار سنگینی پشت

آن پنهان است. در آن صورت، وزارت

اقتصاد و بانک مرکزی مجمع بانک

رفاه را به دست می‌گیرند و برایش

تصمیم‌گیری می‌کنند، بدون

اینکه سازمان تامین اجتماعی را

مداخله دهند. این رویه‌ها، قدرت

سیاست‌گذاری مجمعی بانک رفاه را

می‌گیرد. حتی براساس ماده ۶ قانون

رفاه تصویب کرد. ایراد مجلس

نظام بانکی ایران به گونه‌ای

سازمان یافته که دولت برای

جبران کسری منابع خود از

آنها استفاده می‌کند. این رابطه

بین سازمان تامین اجتماعی و

بانک رفاه کارگران هم وجود

دارد و سازمان از این ظرفیت

برای تکمیل کسری منابع

۶ هزار میلیارد تومانی ماهانه

خود استفاده می‌کند. در سال

۹۸، مجلس قانون تملک سقف

سهام تامین اجتماعی را در بانک

رفاه تصویب کرد. ایراد مجلس



سیاست‌های کلی اصل ۴۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است که بر حسن اجرای این ماده و تبصره آن نظارت کند و در صورت مشاهده موارد مغایر، آن را به شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ جهت اتخاذ تصمیم اعلام کند. در نتیجه جرایم سنگینی در انتظار سازمان تامین اجتماعی است. به کار بردن این قهریت علیه سازمان، اجتناب‌ناپذیر است چرا که مجلس یک بار به سازمان فرصت داد که سقف سهامش را کاهش دهد اما نه به یک‌باره ایجاد شده‌اند و نفع‌ار است که با هر بار تسویه، به قالب در یافت وام‌های جدید تمدید نشوند. طبق آخرین تصمیمات در هیأت امنای سازمان، دارایی‌های واگذار شده از سوی دولت به تامین اجتماعی با بدهی آن به بانک رفاه تهاتر شده‌اند. در نتیجه آخرین بیین ۳۰ تا ۳۲ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های واگذار شده از سوی دولت، میان سازمان و بانک رفاه تهاتر شده‌اند. در واقع سازمان به ازای بخشی از این دارایی در سال گذشته، همسان‌سازی را اجرا و مبالغه‌ای غیرنقدی آن را به بانک رفاه واگذار کرد. از طرفی از آنجا که تامین اجتماعی برای تامین پول نقد لازم برای پرداخت مستمری‌های بازنشستگان که باید در روزهای پایانی هر ماه انجام شود، مشکلات جدی دارد، ناچار است که بدهی‌های قبلی بانک رفاه را بپردازد. به پشتوانه هر دور تسویه بدهی، امکان استقراض از این بانک برای دوره‌های بعد و ماه‌های بعد فراهم می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند.

براساس قانون مجلس لازم است که تامین اجتماعی پیش از واگذاری سهام خود، طلب بانک رفاه کارگران را بپردازد. با توجه به اتکالی سازمان به بانک رفاه، اگر بنا بر انجام این واگذاری باشد، آیا در عمل امکان انجام آن وجود دارد؟ در حال حاضر الزام قانون بر واگذاری بانک رفاه است چرا که در غیر این صورت، تبعات بسیار سنگینی پشت آن پنهان است. در آن صورت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی مجمع بانک رفاه را به دست می‌گیرند و برایش تصمیم‌گیری می‌کنند، بدون اینکه سازمان تامین اجتماعی را مداخله دهند. این رویه‌ها، قدرت سیاست‌گذاری مجمعی بانک رفاه را می‌گیرد. حتی براساس ماده ۶ قانون



در آینده بسیار نزدیک،

پرداخت مستمری

بازنشستگان کارگری

با مشکلات بسیار جدی

مواجه می‌شود. در سال

جاری تامین اجتماعی ۱۷۰

تا ۱۸۰ هزار میلیارد تومان

وصولی حق بیمه دارد

اما باید نزدیک ۲۱۰ هزار

میلیارد تومان را صرف

مستمری‌ها کند

در این زمینه تشکل‌ها به رهبری نامه‌نویسندگان از این واگذاری جلوگیری شود اما به نظر نمی‌رسد که ایشان بخواهند از پیش‌برد سپر قانونی کار، جلوگیری کنند. ایشان معمولاً به این موضوعات ورود نمی‌کنند. پیشتر از سازمان تامین اجتماعی خواسته بودیم که خارج از بورس، سهام بانک رفاه را به بازنشستگان واگذار کنند. این گونه مجمع بازنشستگان سهامدار بانک رفاه می‌شدند که البته تعلل کردند و فرصت این کار را هم از دست دادند. در نتیجه امروز مشکل بسیار سنگین‌تر از گذشته شده است. سازمان باید تا ۲۲ آبان ماه، اقدامات قانونی لازم برای واگذاری بانک رفاه را انجام دهد که البته فرصت بسیار کمی است. یعنی سازمان تامین اجتماعی، فرصت قانونی کاهش سقف سهام را از دست داده است؟

بارها به مدیران سازمان متذکر شدیم و گفتیم که اگر بنا بر واگذاری است، قبل از اینکه با مشکلات جدی‌تر مواجه شویم، تکلیف را مشخص کنند اما امروز و فردا کردند. حالا به جایی

نمی‌شود. در نتیجه حق بیمه، تکاپوی پرداخت مستمری‌ها را بر اساس تقویم زمانی، نمی‌دهد و مستمری دیر پرداخت می‌شود. زمانی هم که این اتفاق رخ داد، صدای بازنشستگان بلند می‌شود. با این وضعیت پرداخت مستمری‌ها به در بسته می‌خورد.

البته بانک رفاه کمک کرد تا

بحران در تامین منابع مستمری‌ها

چندان به چشم نیاید. به هر

حال با وجود عقب‌ماندگی

مستمری از تورم که رقم آن برای

حداقل بگیران کمتر از نیمی از

هزینه‌های زندگی را پوشش

می‌دهد، این مستمری در حال

پرداخت است ولی این موضوعی

نیست که برای بازنشستگان

اهمیت چندانی داشته باشد

و آنها حق خود می‌دانند که

مستمری‌شان از «اصل کفایت»

تبعیت کنند و البته به موقع هم

پرداخت شود.

بازنشستگان حق دارند از

مستمری‌ای که متناسب با هزینه‌های

معیشت افزایش می‌یابد، بهره‌مند

شوند. مشکل اینجاست که میزان

پرداخت مستمری و کلیه تعهدات

کوتاه‌مدت، بیشتر از منابع نقدی

سازمان تامین اجتماعی است. سازمان

باید کمبود نقدینگی خود را برطرف

کند که محلس هم بانک رفاه است.

بازار دیگری برای سازمان وجود ندارد

که برای تامین منابع تعهدات خود به

آن مراجعه کند و حتی با بهره بالا از آن

استقراض کند. از این لحاظ واگذاری

بانک رفاه، به یکی دیگر از مشکلات

سازمان تامین اجتماعی اضافه

می‌شود. سوی مقابل واگذاری بانک

رفاه این است که با ورود آن به بورس،

صورت‌های مالی اش شفاف می‌شوند

و دیگر عرضه و تقاضا و صورت‌های

مالی است که قیمت را تعیین می‌کند.

در این شرایط سهام به نحو مطلوب

خرید و فروش می‌شود و بازارگردانی

صورت می‌گیرد. این گونه ضریب

اطمینان بخشی بیشتر می‌شود، یعنی

حقیقی و حقوقی باطمینان بیشتری

سهام بانک رفاه را خریداری یا کارهای

دیگری را روی آنها انجام می‌دهند.

جدا از اینکه سازمان تامین

اجتماعی به عنوان سهامدار بانک

رفاه می‌تواند از تامین مالی و کشف

قیمت سهام خود بر مبنای شفاف

شدن صورت‌های مالی بهره‌مند

شود. در آینده‌ای که تصمیم‌گیر

اول و آخر امور بانک رفاه نیست،

چگونه می‌تواند مشکل منابع

نقدی روبه کاهش و تعهدات روبه

افزایش را برطرف کند؟

جنس مشکلات سازمان تامین

اجتماعی متفاوت است و محل حل آنها

هم بانک رفاه نیست. شرایطی که برای

سازمان ایجاد شده مشکل ساز است.

مشکل اصلی به دولت برمی‌گردد که

در تعهد خود قرار داده منابعی که به

بیمه اقشار خاص برمی‌گردد. دولت با

این بدهی را تسویه نمی‌کند یا اینکه

به شکل واگذاری شرکت، انجاش

می‌دهد. سال گذشته ۳۰ تا ۳۲ هزار

میلیارد تومان از همین طریق تهاتر

شد اما عمده آن شرکت‌های بورسی

بودند. برای امسال هم دولت ۸۹ هزار

میلیارد تومان دیگر را هم در تعهد

پیشتر از سازمان تامین

اجتماعی خواسته بودیم

که خارج از بورس، سهام

بانک رفاه را به بازنشستگان

واگذار کند. این گونه مجمع

بازنشستگان سهامدار

بانک رفاه می‌شدند که

البته تعلل کردند و فرصت

این کار را هم از دست دادند

خود دارد که آن را هم به شکل شرکت

تهاتر می‌کند. مشکل اینجاست. زمانی

که سازمان بخواهد این شرکت‌ها را

به پول نقد تبدیل کند، بازار سرمایه

کشش پذیرش آنها را ندارد. اگر هم

سازمان قصد واگذاری آنها را در خارج

از بورس داشته باشد، با در سرفه‌ای

از جنس فروش شرکت‌های دولتی از

طریق سازمان خصوصی‌سازی مواجه

می‌شود و هزار یک مشکل قضایی

و امنیتی به وجود می‌آید. سازمان

خصوصی‌سازی که پشتوانه حقوقی

و قدرت اجرایی لازم برای فروش

شرکت‌ها را در اختیار دارد، قادر نیست

که چنین کاری را بدون حرف و حدیث

انجام دهد، آن وقت چه کاری از دست

سازمان تامین اجتماعی برمی‌آید؟!

از آن طرف سازمان باید مستمری‌ها

و تعهدات خود را در حوزه درمان

غیر مستقیم، با پول نقد پرداخت کند.

بازنشستگان و درمانگران هم تنها پول

نقد طلب می‌کند و سازمان نمی‌تواند

طلب آنها را با سهام پرداخت کند!

از این منظر سازمان تامین اجتماعی

در آینده نزدیک با مشکلات اساسی

مواجه می‌شود. با وجود مزیت‌های

واگذاری از طریق بورس برای شفاف

شدن صورت‌های مالی، واگذاری

بانک رفاه کارگران وضعیت سازمان

تامین اجتماعی را برهم می‌ریزد. در